



دیگری نقش و کتیبه‌ی زبَد است. کتیبه‌ای دوزبانه که به خط سریانی و نبطی است و به ۵۱۲ م. متعلق است.

کتیبه دیگر حران است متعلق به ۵۶۸ که بر روی سنگی در سردر کلیسای در شمال کوه «دروز» یافت شده و به سریانی، عربی و یونانی است. البته تاریخ‌های ذکر شده تقریبی است و در این میان توافق نظر وجود ندارد. بررسی حروف خطوط و نقوش موجود ویژگی‌های حروف عربی را به روشنی نشان می‌دهد. آنچه از بررسی و تحقیق کتیبه‌خوانان سامی از سده‌ی نوزده به بعد از مطالعه‌ی و بررسی این کتیبه‌ها و نقوش به دست آمده است گویای یک منشأ نبطی برای خط عربی بوده است و آن را نبطی - عربی خوانده‌اند، خطی که از خط منحنی آرامی گرفته شده و این خط نیز خود منشأ فنیقی دارد.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا خط نبطی - عربی همان خطی است که اعراب آن را مُسند می‌خوانند، خطی که به طور معمول با یک یا دو سرکش عمودی یا هایل، به همراه یک قوس یا یک نقطه یا یک قلاب معین می‌شده است. می‌دانیم که حروف نبطی یا عربی قدیمی بر روی یک خط افقی قرار نداشتند. با این همه در کل می‌توان گفت که بافت خط عربی در مجموع روی یک راستای افقی قرار می‌گرفت، که در زیر و بالای آن نشانه‌ها، حرکت‌ها و نقطه‌ها می‌آمدند. البته این احتمال وجود دارد که این نشانه‌ها که به روش سریانی است قبل از اسلام ایجاد شده باشد.

همان طور که گفته شد نظر عمده محققان بر این است که خط عربی شمالی که در نهایت به خط قرآنی تبدیل شد به خط نبطی وابسته است، خطی که خود از خط آرامی است. و در حدود سده‌ی دوم رواج می‌یابد. اینکه خط نبطی از آرامی کتیبه‌ای یا آرامی نسخی گرفته شده باشد، دقیقاً مشخص نیست. نبطیان به لهجه‌ای از زبان عربی گفت‌وگو می‌کردند اما در نوشتار از زبان آرامی استفاده می‌کردند که زبان تجاری اصلی شرق قدیم به شمار می‌رفت. با رواج این خط در قرن اول میلادی و حتی پس از سقوط پترا در سال ۱۰۶ ق. م. و از میان رفتن قدرت نبطی‌ها این خط کاربرد خود را داشته است، به نحوی که امروزه از این گونه حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ اثر در حجاز، شبه جزیره سینا و نقاط دیگر به دست آمده است. به عبارتی دیگر پس از سقوط حکومت نبطی در سده‌ی اول میلادی عبارات عربی به تدریج در متن‌های مختلف وارد شد.

عده‌ای نیز منشأ و ریشه خط عربی را خط سریانی می‌دانستند. در واقع شباهت برخی حروف عربی با حروف سریانی شاید دلیل این امر باشد و شاید هم این واقعیت که خط عربی در کل، در روی یک راستای واحد مانند خط سریانی قرار می‌گیرد، در صورتی که امتداد حروف نبطی در حالت تعلیق به یک راستای یگانه مربوط است.

درواقع با تغییراتی که در خط نبطی در اسلام به وجود آمد این خط شکل مستقلی پیدا و دارای یک هویت و شخصیت اسلامی گردید. ابن ندیم در کتاب خود «الفهرست» به دو خط موجود در مکه و مدینه اشاره می‌کند که به گفته‌ی مورخان در عهد پیامبر و در صدر اسلام رایج بود و حتی در

در گستره‌ی فرهنگ اسلامی، هنر خوشنویسی جایگاهی ارزشمند و سابقه‌ای دیرین دارد، هنری که اعتبار و ارزش خود را مدیون و مرهون کتابت قرآن مجید می‌داند و به یقین همین حرمت و تقدس است که علاوه بر زیبایی این هنر آن را به معنویتی خاص می‌رساند. در واقع اسلام را می‌توان منبع الهام هنر خطاطی دانست و این باور که خط عربی، خطی ملکوتی و سرچشمه‌ی تمامی خلاقیت‌هاست. هنر خطاط مسلمان تنها در خدمت مقاصد زیبایی‌شناسانه نیست که یک هنر مقدس است، تقدسی که ملل غیر عربی نیز که اسلام آورده بودند پذیرای آن شدند و سنتی را بنا گذاشتند که قرن‌ها تداوم و استمرار یافته است.

می‌دانیم قرآن در زمان حیات پیامبر(ص) شکل کامل خود را به دست نیاورد و در واقع در زمان خلیفه‌ی سوم، عثمان (۲۳ تا ۳۵ هـ) نسخه‌ی منقحی از قرآن تدوین و هنر خطاطی در همان موقع متولد شد.

علاوه بر کتابت قرآن و حدیث که از بهترین سنن رایج میان مسلمانان بوده است علوم دیگر نیز توسط خطاطان هنرمند در کتاب‌ها به ثبت رسیده و تنها هنری است که از حلیت و مشروعیت برخوردار بوده است. چنانچه علمای فقه و فلاسفه اسلامی، اغلب به خط خوش اشتهار داشته‌اند. ابن خلدون مورخ بزرگ اسلامی می‌گوید که بعضی از علمای عرفان نسبت به خطوط اسلامی اسرار عظیمی را مترتب کرده‌اند.

گستره‌ی نفوذ اسلام در میان ملل مختلف، تحولات عمده‌ای را در تمامی زمینه‌ها از جمله خط و کتابت پدید آورد و به زودی خط عربی جایگزین خط پهلوی در ایران، خط دیموقبلی در مصر، خط لاتینی در شمال آفریقا و خط قوطی در اندلس شد. در رابطه با پیدایش خط عربی نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است از آن جمله:

ابن خلدون بر آن است که این خط در زمان حکومت «حمیری»<sup>۱</sup> و از یمن به شبه جزیره آمده است و در قرون اول و دوم میلادی در میان اعراب رواج یافته است.

بلادری نیز معتقد است که گروهی از قبیله‌ی «طی» خط عربی را با استفاده از خط «سریانی» و «حمیری» کامل کرده‌اند. یعنی الفبای عربی با استناد به شیوه سریانی تدوین یافته و این زبان ابتدا در شهرهای انبار و حیره<sup>۲</sup> رونق داشته و از آنجا به مکه و جاهای دیگر رفته است. به علت اختلاف عمده‌ای که بین حروف خط سریانی و حمیری با عربی وجود دارد و همچنین از راست به چپ نوشتن در عربی، این نظریه قابل رد است.

از نبطیان<sup>۳</sup> نیز نوشته‌های بسیاری بر جای مانده که نشان‌دهنده‌ی تأثیر فراوان آن در تحول خط عربی بوده است. از قدیمی‌ترین نقوش بر جای مانده از خط نبطی می‌توان به نقش معروف «ام جمال» اشاره کرد که متعلق به ۲۵۰ م. تا ۲۷۱ م. است و هم‌اکنون در جنوب شرقی دمشق قرار دارد.

همچنین کتیبه «النمره» یا «النماره» است که متعلق به شاعر و خنیاگر معروف پیش از اسلام، «امرء‌القیس» می‌باشد که در سال ۳۲۸ م. نوشته شده و به خط نبطی است، و گرایش و نزدیکی بسیاری به خط عربی دارد و در حران در کشور سوریه واقع است.

# خط کوفی،

## هنری مقدس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

لِيُبَيِّنَ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ الْبَشَرَ

الَّذِي يَلْقَى تَحْتِ الْمَوْجِ



خطی که در قرن چهارم هجری توسط ایرانیان پدید آمد و به خط کوفی شرقی معروف شد، با کوفی سنتی متفاوت است. خطوط بلند قائم، کاملاً قائم می‌مانند، اما خطوط کوتاه به سمت چپ تمایل پیدا می‌کنند یا در واقع خمیده می‌شوند

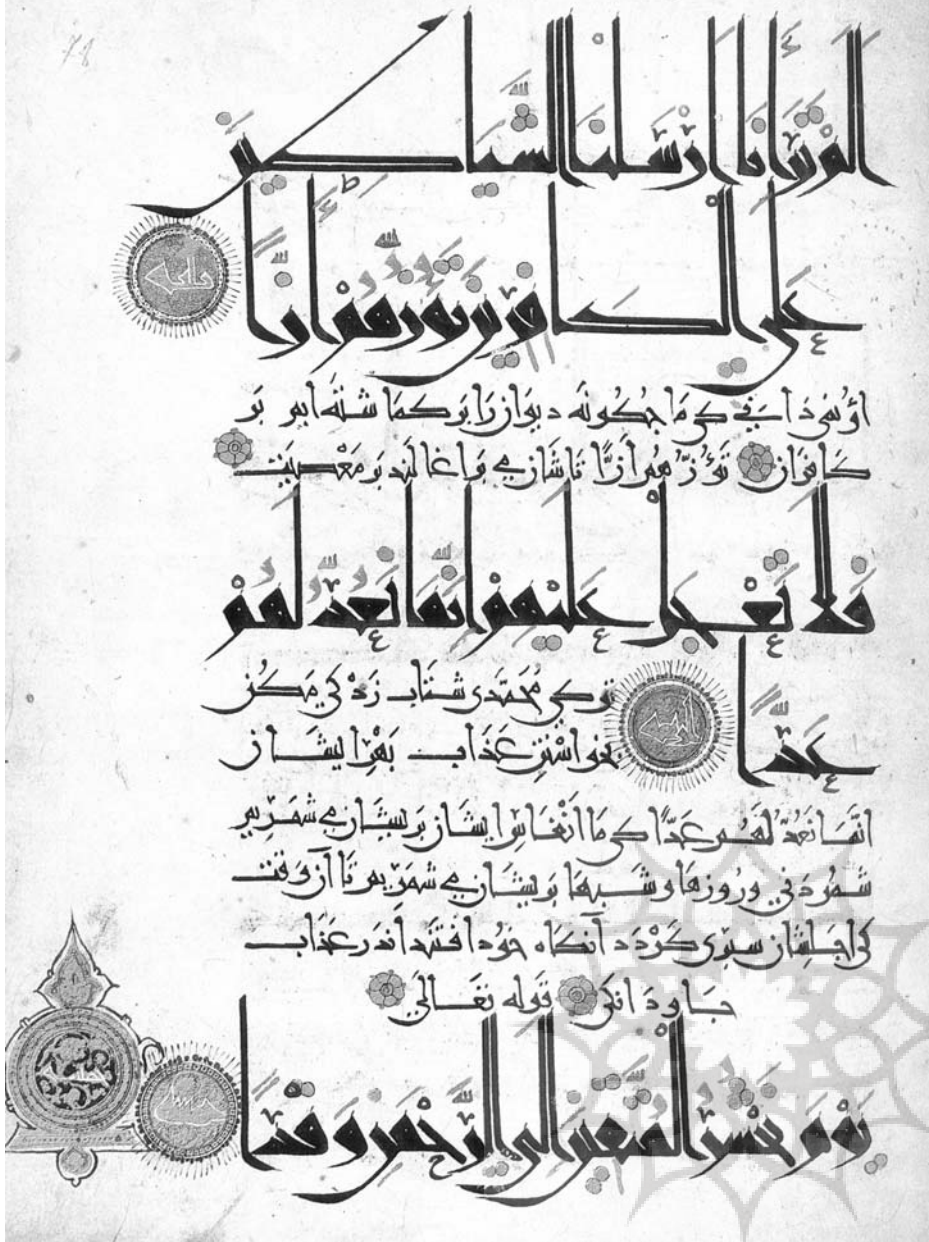
خط کوفی ابتدایی به کتابت قرآن روی می‌آورد. یک قرن پس از آن خط کوفی خود را از مرزهای عربستان نیز فراتر می‌برد و در قرن سوم است که به جهت زیبایی و اعتبار، محور و رکن اصلی هنر تزیینی اسلامی می‌گردد و به تدریج و به دلیل تنوع و وجود شیوه‌های مختلف با تقسیم‌بندی‌هایی چون کوفی مغربی، کوفی ایرانی و کوفی بغدادی روبه‌رو می‌شود.

در یک تقسیم‌بندی کلی خط کوفی را می‌توان در دو شاخه اصلی شرقی و غربی قرار داد. خط کوفی مغربی با شیوه‌هایی همچون قیروانی (اندلسی، قرطبی، فاسی)، تونسسی، جزائری، سودانی و خط کوفی مشرقی که در آن با سه شیوه روبه‌رو هستیم.

ابتدا شیوه اصیل عربی شامل مدنی، کوفی - بصری، برمکی، شامی و مصری و توابع آن، سپس شیوه‌ی ایرانی و در نهایت شیوه مختلط. اگر این شیوه‌ها مورد توجه قرار گیرند، از لحاظ بررسی درخطوط مصاحف و کتیبه‌های مساجد و ابنیه، ظروف سفالین و فلزی و سنگ نبشته‌ها در سه بخش قرار می‌گیرند. ابتدا ساده محقر که خود به دو شیوه تقسیم می‌شود: - شیوه‌ای که خالص و عاری از هرگونه تزیینی است که در نمونه‌هایی از قرآن‌ها و کتیبه‌های قرن اول هجری دیده می‌شود همچون کتیبه‌ای که در مسجد طولون در قاهره وجود دارد.

- شیوه ایرانی، که بیشتر قرآن‌های نوشته شده و حتی بعضی از کتیبه‌ها که مقداری نیز با تزیین همراه شده، در واقع از همین شیوه و تحولاتی چندی که پذیرفته، خطوط خاص ایرانی بیرون آمده است.

- نوع دوم تزیینی است. در این شیوه همچون نوع اول قواعد ثابت و معینی دیده نمی‌شود و اغلب سخت خوانده می‌شود. این امر شاید به دلیل تصرفات زیادی است که در آن صورت گرفته و در واقع برای نظم و ترتیب و قرینه‌سازی و پر کردن زمینه به رسم و نقاشی روی آورده شده و در نتیجه خط در میان شاخه و گل و برگ و تزیینات هندسی که به همراه حروف به کار برده می‌شود گم شده است. این شیوه شامل روش‌هایی چون مورق، مشجر، مذهب، گل و برگ‌دار، موشح، معقد، مظفر است.<sup>۷</sup>



- نوع سوم نیز بنایی یا معقلی است که به سه‌گونه آسان، متوسط و مشکل طبقه‌بندی می‌شود.

پیش از پرداختن به خط کوفی تزیینی و خط کوفی در ایران به بیانی از ابن خلدون در مورد تغییر سبک‌های خطاطی اشاره می‌کنیم. ابن خلدون می‌نویسد:

از هنگامی که اعراب امپراتوری خود را بنا و آن را گسترش داد نیازمند نوشتار واحدی بود. چرا که نوشتار در بصره و کوفه به ظرافت و دقت عالی رسید، اما کامل نشد. پس از بسط و گسترش نفوذ اسلام در آفریقا و اسپانیا، عباسیان شهر بغداد را به عنوان مادر - شهر اسلام و مرکز حکومت عربی بنا و خطاطی به اوج کمال خود رسید. خط بغدادی از این لحاظ که حروف، شکل کامل خود را داشته و به گونه‌ای ظریف و مشخصی عرضه می‌شوند با کوفی تفاوت می‌کند؛ این تفاوت در زمان ابوعلی ابن مقفعی وزیر و منشی‌اش، علی بن هلال که ابن بواب خوانده می‌شد بیشتر شد. اما سنت خطاطی بغداد و کوفه پس از سده‌ی دهم از میان رفت. اصول و ویژگی‌های هر یک آنچنان با دیگری متفاوت بود که می‌توان گفت ورطه‌ای میان آن دو وجود داشت.

در واقع از زمان بنی‌امیه است که خط نسخ و کوفی توسعه می‌یابند اما این خط کوفی است که برای متون مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همان‌گونه که آمد در زمان حکومت عباسیان (۷۵۰ م. - ۱۲۵۸ هـ.). بغداد

در ابتدا حروف تنها  
آزین‌های ساده برگ و  
گل است که با شکل  
اصلی حروف تداخلی  
ندارد اما از آغاز قرن  
پنجم، حروف کم‌کم نقش  
تزیینی می‌گیرد



مؤثر بوده است. از این خط باتوجه به محل و منشا آن انشعاباتی حاصل شده که می‌توان به انباری منسوب به انبار، حیری از حیره، مکی از مکه و مدنی منسوب به مدینه اشاره کرد. البته سه سبک عمده در مدینه رواج داشت. مدور، مثلث و تثم. در این میان دو سبک باقی ماندند یکی روان و دیگری با زاویه و خطوط مستقیم و ضخیم که در جهت تکامل خطوط اولیه مکی و مدنی تأثیر فراوانی گذاشتند و سبک‌هایی چون مایل، معشق و موشح را به وجود آوردند. سبک‌هایی که در هنگام شکل‌گیری خط کوفی در حجاز متداول و مرسوم بودند. از این میان خط معشق و موشح دچار تغییرات و تحولاتی شدند اما خط مایل جای خود را به خط کوفی داد و خط کوفی نیز به لحاظ اینکه به خط نگارش و کتابت قرآن تبدیل شد با گسترش و نفوذ اسلام در شرق و غرب، خط بین‌المللی مسلمانان گردید.<sup>۶</sup>

در مورد خاستگاه این خط به هرحال نظرات متعددی وجود دارد. منشأ این خط را نمی‌توان کوفه دانست اما نامش به یقین از کوفه گرفته شده است.

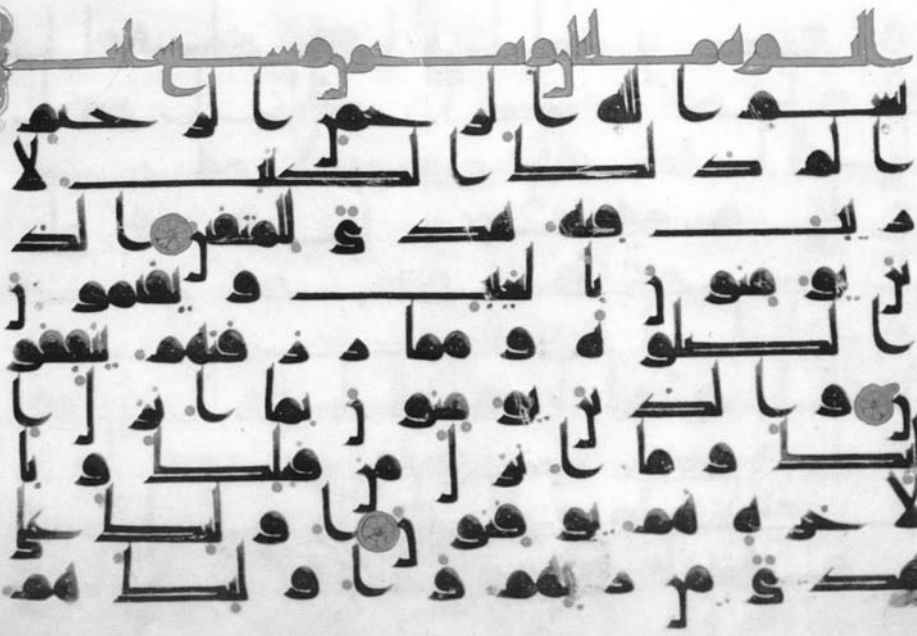
ابن ندیم (۳۹۰ هـ / ۱۰۰۰ م.) نخستین کسی بود که کلمه کوفی را مورد استفاده قرار داد. اما همان طور که آمد خط کوفی نمی‌تواند از شهر کوفه آمده باشد چون آن شهر در سال ۱۷ هجری (۶۳۸ م.) بنیاد یافت در حالی که خط کوفی پیش از آن تاریخ وجود داشته است. در واقع کوفه در سال ۱۷ هجری و در عهد عمر بن خطاب بنا گذاشته شد و در زمان حضرت علی(ع) پایتخت حکومت اسلامی و مرکز بزرگ فرهنگی بود. امام چون تأکید وافر بر خط و نوشتن داشت و خود نیز از کاتبان وحی به شمار می‌رفت و از طرفی کوفه نیز با توجه به شهرهای پیرامونش، خصوصیت خاصی به خود گرفته بود بعدها کیفیت نوشتن این خط را خط کوفی نامیدند. خطی که در ابتدا فاقد نقطه‌گذاری بود تا آنکه ابوالاسود الدؤلی در سال ۶۷ هـ. نقطه‌گذاری آن را مطرح و در زمان ابوالعباس سفاح عباسی به کمال رسید.

در واقع با مطرح شدن خط کوفی در قرن اول هجری، کاتبان با این

نامه‌هایی که پیامبر به رؤسای قبایل می‌نوشتند و به ویژه، نامه‌ای که آن حضرت به مندر بن ساوی فرستاد انتساب داده می‌شود. البته عده‌ای نیز این احتمال را داده‌اند که نوشته‌های خطی بر جای مانده از روی سند اصلی نوشته شده باشند که نمونه‌ی خطی از آن دوران می‌باشد.

به نظر می‌رسد خط عربی شمالی ابتدا در شمال شرقی عربستان و به خصوص در قرن ۵ م. میان قبیله‌های عربی که در حیره و انبار ساکن بودند رونق و از آنجا به حجاز در باختر عربستان راه پیدا کرده است. و قوی هم وجود دارد مبنی بر اینکه بشر بن عبدالملک با ناپدریش حرب ابن امیه آن را در مکه رواج داده است. به طوری که حضرت علی(ع)، طلحه بن عبدالله، معاویه، ابوعبیده ابن جراح و عمر از جمله کسانی بوده‌اند که نگارش را از بشر و حرب آموخته‌اند. این خط سپس به مدینه و میان قبیله‌های اوس، خزرج و ثقیف راه پیدا کرده است، چنان چه زید بن ثابت وظیفه‌ی جمع‌آوری و ثبت نخستین نسخه‌ی قرآن را در دوره خلافت عثمان بر عهده داشته است.

همان طور که می‌دانیم یکی از کهن‌ترین خطوط، خط جزم است. در متن‌های عربی مسند و جزم هر دو به عنوان خطوط اولیه قوم عرب معرفی گردیده‌اند و جزم شاخه‌ای از مسند دانسته شده است.<sup>۷</sup> حالت زاویه‌دار خط جزم و تناسبات یکسان حروف در آن، بدون تردید در ایجاد خط کوفی بسیار



مشتقات خط کوفی شرقی، همان خط قرمطیان است که حروف با زمینه‌ی تذهیبی و پر از نقش‌های گل و بته اسلیمی تلفیق شدند. باید گفت از آغاز تاریخ اسلام خط کوفی، خطی قدسی به شمار می‌رفت که به مرور دچار تحول شد. در متون کهن نشانی از این تغییرات داده نمی‌شود. کوفی کهن به دلیل فقدان نشانه‌های حرکت، خط مشکلی بود. در میانه سده چهارم هجری و تأثیر متقابل کوفی و نسخ، نوعی خط کوفی اریب پدید آمد، اما تا این تاریخ تمامی قرآن‌ها به خط کوفی کهن نوشته می‌شد. به هرحال خط کوفی سبکی است سرکش و به هر تحول و تغییر و تبدیلی تن می‌دهد. ساخت هندسی آن که مبتنی بر خطوط زاویه‌دار است، می‌تواند در هرجا و بر هر زمینه‌ای ثبت گردد چه پارچه‌ای ابریشمین چه سطح دیوار.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱- درباره چگونگی پیدایش خط کوفی آرای متناقضی وجود دارد که در نهایت به نقش ایرانیان در پیدایش و تکامل آن، با نوعی بی‌مهری از دوست و بیگانه می‌رسیم که کامت را تلخ می‌کند: ابن الندیم منشأ آن را خط مسند می‌داند که قلمی از خط حمیری در سرزمین یمن است و چنان که ابن خلکان متذکر شده در حمیر و حیره مولک المنذر از والیان ساسانیان ساکن بودند و آنان فرزندان خویش را برای آموزش تیراندازی و چابک سواری بدان دیار روانه می‌کردند و چون شرایط آداب دربار ساسانیان همراه با پاره‌ای از رسوم از جمله خط پهلوی هم در آنجا رواج داشت. بدین جهت خط رایج در یمن و حمیر به حیره و انبار رفت که خود ماعوذ از خط پهلوی ساسانی و سریانی بود. در حالی که ملک‌الشعرای بهار در کتاب «سبک‌شناسی» می‌نویسد: «بعد از معاشرت اعراب با مردم حیره و بنای شهر کوفه در جنب حیره، خطی که آن هم تقلیدی از خط نبطی!! بود شایع شد که آن را حیری یا جزم می‌خواندند و در همین مقوله، بر تعجب آدمی هنگامی اضافه می‌شود که می‌بینیم ابن قتیبه هم در «طبقات الامم» آن را از ایرانیان مانوی مذهب دانسته و بر آن افزوده که: «زندقه در مردم قریش از حیره راه یافت...!»  
(محمد مهدی هراتی - کتاب ماه هنر،

اردیبهشت ماه ۷۸. ص ۱۴)

۲- حمیریان، سلسله‌ای بودند که در یمن پیش از اسلام حاکمیت داشتند و به کمک انوشیروان حمله حبشیان را به خاک خود دفع کردند و از آن به بعد به نوعی در تابعیت ایرانیان درآمدند و فرهنگ ایرانی را پذیرفتند. به کشور آنان سرزمین سبا هم گفته شده است. این خط به احتمال منشأ ایرانی داشته و از راست به چپ می‌نوشتند.

۳- حیره، شهری بوده است نزدیکی کوفه و صاحب معجم البلدان آن را نجف نامیده است.

۴- دولت انباط حاصل روابط میان اعراب ساکن شمال و جنوب شبه جزیره عربستان است که قدیمی‌ترین دولت عربی در عربستان جنوبی را به وجود آورد که گستره‌ی آن از صحرای سینا و شمال عربستان تا جنوب سوریه امتداد داشت و پایتخت آن شهر پترا بوده که هم اکنون نیز در شرق اردن قرار گرفته و به «وادی موسی» معروف است. شهر پترا مرکز پررونق تجارت و اقتصاد و محل تلاقی فرهنگ‌ها، هنرها و علوم بوده است. این مردم عمدتاً در اطراف شهرهایی چون حجر، بصرا و پترا زندگی می‌کردند و از سال ۱۵۰ ق.م. تا هنگام اضمحلال توسط امپراتور رومی «تراژان» در سال ۱۰۵ ق.م. تداوم داشت.

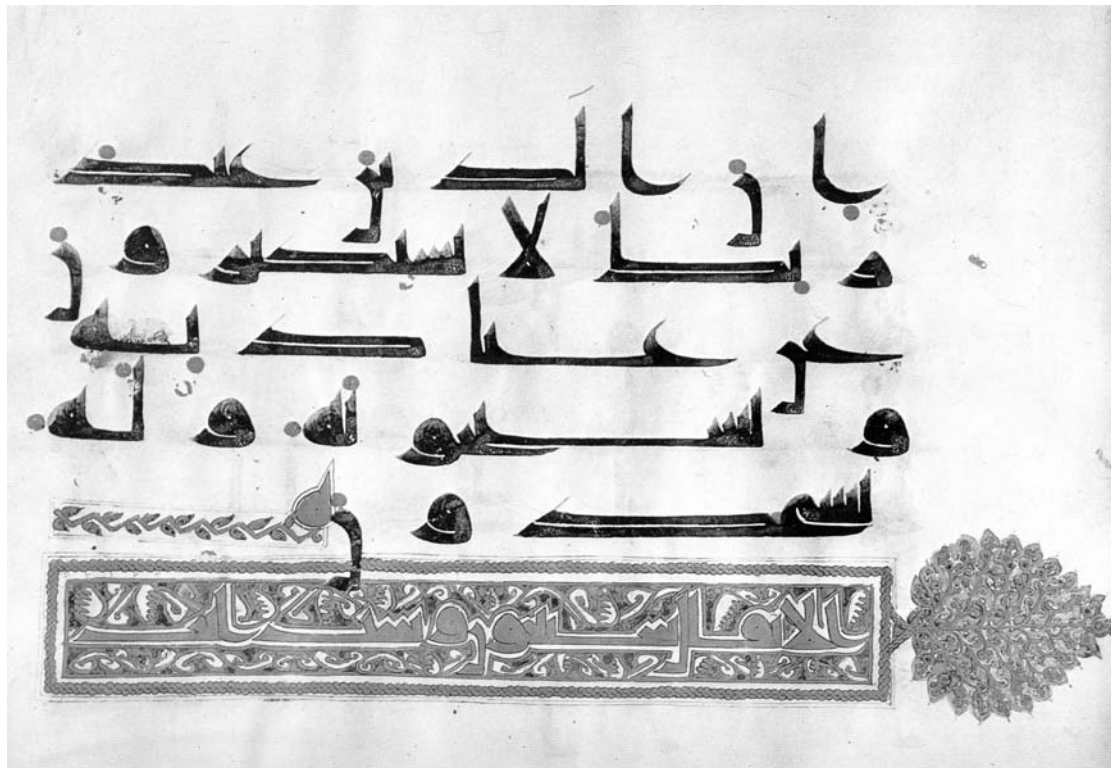
۵- خط حیره، جزم و مُسند هر سه از انواع خط حمیری هستند که حتی ممکن است دارای منشأ ایرانی هم باشند و اعراب هم آن را متعلق به خود معرفی کرده‌اند.

۶- خوشنویسی در جهان اسلام - ابوالفضل ذابح، فصلنامه هنر، بهار و تابستان ۱۳۶۴، صص ۴۶-۴۷

۷- همان. ص ۵۰

۸- هنرمندان مسلمان مصری و سوری در دوره خلفای فاطمی (۲۹۷ تا ۵۶۷) از خط کوفی تزئینی بهره فراوانی بردند و شاخص‌ترین هنرنمایی آنان بر فلزات، شیشه و منسوجات دیده می‌شود. اما از جهت کتیبه‌نویسی اوج خط کوفی تزئینی در طی قرن یازدهم میلادی / پنجم هجری در عصر سلاطین سلجوقی بوده است.

۹- در این باره بنگرید به کتاب خط کوفی اثر محمد آصف فکرت. که منبعی است از کوفی‌نویسان قرآن‌های ایرانی و بیان هنر کاتبان ایرانی قرآن و بحث در مورد تشبث آن را درباره خط کوفی و پیشینه آن و نقش ایرانیان.



است نمونه‌های زیبایی از پیوند خط، تذهیب و ترصیع و جلدسازی از قرآن مجید را ارائه می‌دهد. به واقع ایرانیان با بهره‌گیری از خط کوفی، استقلال و هویتی تازه به آن می‌دهند، و همچنین تذهیب و تزیین و استفاده از شیوه‌های جدید در تحریر، خدمت ارزنده‌ی ایرانیان را نشان می‌دهد.

در واقع علاوه بر کاربرد خط کوفی در کتابت قرآن، این خط عنصری ارزشمند در تزیین سایر هنرهای ظریفه همچون گچ‌بری، پارچه‌بافی و در سفال و فلز مورد استفاده قرار می‌گیرد. و تنوع بخشی به این خط است که کوفی تزیینی را مطرح و کم‌کم در خلال کلمات و حروف از نقوش برگ و گل و گیاه استفاده می‌شود. و کاربرد اشکال هندسی در خط کوفی است که کوفی بنایی را ایجاد می‌کند، امری که هرچه بیشتر بر اعتبار مساجد اسلامی اضافه می‌کند. این خط بر پیشانی ایوان‌های مساجد، در چارچوب محراب‌ها و در گنبد‌های بلند و گرداگرد مناره‌ها قرار می‌گیرد.

با تحولات جدید در خط کوفی، نقش‌ها و حرکتی تازه از این خط ارائه می‌شود، به طوری که در بشقاب‌ها و کاسه‌ها می‌نشینند و عوامل تزیینی هندسی و یا نقوش حیوانی را با آن همه زیبایی و قدمت به کنار می‌نهد. در تزیین ظروف فلزی نقش اساسی ایفا کرده و بر پارچه‌ها حضور می‌یابد. خط کوفی در پارچه به عنوان یک عنصر تزیینی گاه تنها با حاشیه‌ای مانند کتیبه‌های مساجد مورد استفاده واقع می‌شود. در این میان حضورش در قالیچه‌ها کم‌رنگ است و تنها در قالیچه‌های تزیینی و کوچک و به صورت تابلویی بر دیوار به کار می‌رود، که بیشتر به دلیل حرمت نام و کلام خداوند و استفاده نشدن آن در زیر پا بوده است. نقش این خط بر سکه‌های سده‌های نخستین هجرت و حتی در کنده‌کاری بر چوب و حجاری بر سنگ دیده می‌شود.

در هر حال خطی که در قرن چهارم هجری توسط ایرانیان پدید آمد و به خط کوفی شرقی معروف شد، با کوفی سنتی متفاوت است. خطوط بلند قائم، کاملاً قائم می‌مانند، اما خطوط کوتاه به سمت چپ تمایل پیدا می‌کنند یا در واقع خمیده می‌شوند. انتهای تزیینی بعضی از حروف از سمت پایین و در زیر خط نوشته شده امتداد یافته و همین ویژگی، وجه اشتراک آن با خط کوفی غربی بود. در واقع خط کوفی شرقی خود را از چارچوب ایستای کوفی بنیادی رها کرد و سبکی را به وجود آورد که تا زمانی طولانی به عنوان خط تزیینی در نگارش سر سوره‌های قرآن مورد استفاده واقع شد. یکی از

به مرکز هنر خطاطی تبدیل می‌شود، و این خط کوفی است که در سده دوم هجری اعتبار اولیه خود را از دست می‌دهد. شاید این امر به دلیل تمرکز قدرت خلیفه باشد زیرا به واسطه‌ی آن مجموعه‌ای از نسخه پردازان به وجود آمدند و چون خط نسخ جهت امور اداری و دیوان سالاری که گستره‌اش به اسپانیا نیز رسیده بود مناسب‌تر از خط کوفی به شمار آمد.

#### خط کوفی تزیینی<sup>۸</sup>

در کتیبه‌های مانده در قیروان و سایر نقاط، خط ساده کوفی تزیینی اولیه دیده می‌شود که با کتیبه‌های دوره‌های فاطمی، سلجوقی و غزنوی تفاوت می‌کند. خط کوفی تزیینی در واقع از قرن دوم هجری است که بر سکه‌ها، کتیبه‌ها و قرآن خودنمایی می‌کند.

در ابتدا حروف تنها آذین‌های ساده برگ و گل است که با شکل اصلی حروف تداخلی ندارد اما از آغاز قرن پنجم، حروف کم‌کم نقش تزیینی می‌گیرد. و به دنبال همین امر به تدریج به هم بافتن، گره خوردن و در هم پیچیدن خطوط قائم در این خط مورد استفاده قرار می‌گیرد و انتهای آزاد بعضی از حروف که در ابتدا به شکل ساده است در قرن پنجم هجری امتداد تزیینی می‌یابند.

خط کوفی و تحول آن به شکل تزیینی تا اواخر قرن ششم هجری ادامه می‌یابد، اما بعداً نقش محوری خود را به عنوان عاملی برای بیان اندیشه و وقایع از دست می‌دهد و تنها جنبه تزیینی به خود می‌گیرد. ادامه دادن حروف به صورت برگ، گل بافته، گره خورده، بر هم تابیده و در هم پیچیده و جانداران است و در این شیوه حروف به شکل سر انسان یا حیوان و یا شکل بدن حیوان را به خود می‌گیرند.

خط کوفی تزیینی بر آجر، سنگ، کاشی، فلز، چوب، شیشه، پوست، پارچه و عاج به کار برده می‌شد. از نمونه‌های کاربرد این خط می‌توان در قیروان تونس، در غزنه افغانستان، در قاهره، در گرانا (قرناطه) و غیره دید.

#### خط کوفی در ایران<sup>۹</sup>

امروزه وجود هزاران نسخه قرآن خطی به خط کوفی، نسخ، ثلث، ربیعان، نستعلیق، محقق، نشان‌دهنده‌ی ارادتی است که مسلمانان به کتابت قرآن داشته‌اند. نسخه‌هایی که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود